

## عنوان مقاله:

بررسی هستی شناسانه نظریات چارلز داروین و میشل فوکو

## محل انتشار:

دوفصلنامه متافیزیک، دوره 9، شماره 24 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

فاضل اسدی امجد - دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان های خارجی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

امین پورحسین اصلی - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه تهران (پردیس البرز)، تهران، ایران

سید محمد مرندی - زبان و ادبیات انگلیسی، زبان های خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## خلاصه مقاله:

این مقاله در صدد تحلیل هستی شناسانه نظریات چارلز داروین و میشل فوکو با هدف دست یابی به وجوه اشتراک بین آن دو است. در نگاه نخست مقایسه چارلز داروین با میشل فوکو مقایسه ای ناهمگون است و شاید در بهترین حالت بعید به نظر آید؛ زیرا از یک سو، شالوده تفکر فوکویی را که یکی از پایه های اصلی جنبش «پسامدرن» است، مفهوم نسبی گرایی (relativism) شکل می دهد؛ از سوی مقابل، تفکر داروینی، یا همان داروینیسم، به عنوان نظریه ای در حوزه علوم تجربی و به طور خاص علم زیست شناسی، بیشتر با عینیت گرایی (objectivism) شناخته می شود که در تضاد با نسبی گرایی (relativism) است. برخلاف تصور بسیاری از داروینیست ها و متفکرین پسامدرن و فوکویی، نوشتار حاضر تلاش می کند تا با بررسی بنیان های فلسفی داروینیسم و نگرش فوکویی اثبات کند که هر دوی آنها از منظر هستی شناسی بر دو اصل «ماتریالیسم» و «پوزیتیویسم» بنا گذارده شده اند.

## کلمات کلیدی:

چارلز داروین، میشل فوکو، ماتریالیسم، پوزیتیویزم، هستی شناسی مشترک

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1271939>

